



mph.sdcongress.ir

# هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8<sup>th</sup> International Conference on  
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



## جستاری پیرامون مدرک و مفاد قاعده لاضرر و لاضرار

محسن تلخابی

سطح دو حوزه علمیه قم.

### چکیده

تحقیق پیش رو با موضوع جستاری پیرامون مدرک و مفاد قاعده لاضرر و لاضرار به بازنگری مفهوم این قاعده پرداخته است. قاعده لاضرر از قواعد مهم فقهی است که اثرات زیادی در فقه دارد و در مورد آن اختلاف نظر بسیاری وجود دارد و لذا به معرفی این قاعده و مدرک آن در قرآن و سنت و عقل توجه کرده و در ادامه به بررسی مفاد قاعده مزبور، با توجه به اقوال علما پرداخته شده است با تتبع در آیات قرآن و روایات این نتیجه به دست می آید که ضرار به معنای سوء استفاده از حق و ضرر نیز حاصل مصدر و به معنای زیان است. از این رو به موجب قاعده لاضرر، حکم ضرری و به موجب قاعده لاضرار، حکم اباحه انجام عمل، در حالت ضراری و سوء استفاده از حق برداشته شده است.

کلید واژگان: ضرر ضرار قاعده لاضرر، قاعده لاضرار، اعمال حق،

### مقدمه

قاعده لاضرر و لاضرار، گذشته ای به پیشینه اسلام دارد و مبانی آن در بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) آمده است. فقهای شیعه نیز از همان ابتدا در بسیاری از فروع فقهی و در ابواب مختلف به قاعده لاضرر استناد نموده اند؛ به ویژه متاخران در تالیفات خود به ساماندهی و قاعده مند ساختن آن و نقد و بررسی آرای پیشینیان در این باره پرداخته و قاعده ای مستند با عمق فراوان و دارای پشتوانه تحلیلی قوی و قابل اعمال بر ابواب مختلف فقه ترتیب داده اند. با وجود این با پیچیده شدن روابط حقوقی و معاملاتی مردم، مسائلی در نظام قراردادها به وجود می آید که حل آن تنها با رجوع به عموماتی نظیر قاعده لاضرر میسر است. سؤال تحقیق حاضر، آن است که مدرک قاعده لاضرر و لاضرار چیست؟

### مفهوم و مفاد قاعده لاضرر و لاضرار

#### مدارک قاعده لاضرر و لاضرار:

#### قرآن:



mph.sdcongress.ir

## هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8<sup>th</sup> International Conference on  
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



آیه اول: خداوند متعال در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «... لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ ...» ... نباید بر مادر و فرزندش به خاطر یکدیگر زیانی وارد شود؛ و نه بر پدر و فرزندش (از ناحیه یکدیگر ضرری وارد آید)، ... در این آیه خداوند سبحان، مادر را نهی فرموده از این‌که به خاطر اختلافاتی که با پدر بچه دارد، لجاجت بازی کرده و شیردادن به بچه را رها کند، تا بدین وسیله به بچه ضرر وارد شود. و هم چنین پدر را نهی می‌کند از این‌که به خاطر اختلافاتی که با مادر بچه دارد، لجاجت بازی کرده و خرج زن را در مدت شیر دهی او ندهد، که در این صورت نیز زن نمی‌تواند به وظیفه خود عمل کرده و به بچه ضرر وارد می‌شود

آیه دوم: خداوند در مورد زنان مطلقه در آیه ۶ سوره طلاق می‌فرماید: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيهِنَّ ...» آن‌ها [زنان مطلقه] را هر جا که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید؛ و به آن‌ها زیان نرسانید تا آن‌ها را در تنگنا قرار دهید (و مجبور به ترک منزل شوند) ... در آیه شریفه از این‌که در مسکن و نفقه زنان مطلقه در ایام عده، تنگ گرفته و از این جهت به آن‌ها ضرر وارد شود، نهی شده است

### روایات:

در اثبات این قاعده آن‌چه بیشتر بر آن تکیه شده، روایات زیادی- در حدّ تواتر- است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است. هر چند این روایات از نظر عبارت و حتی مضمون مختلف‌اند؛ بعضی عام و بعضی خاص هستند، ولی در مجموع برای اثبات کلیت این قاعده کفایت می‌کنند. ( مکارم شیرازی، قاعده لا ضرر، ترجمه القواعد الفقهیه، ص ۴۰)

روایت اول. مرحوم کلینی رحمه الله، در کتاب «الکافی»، (الکافی ط الإسلامیه)، ج ۵، ص ۲۹۴، ح ۸ از باب الضرار) از ابن مسکان، از زراره، از ابی جعفر امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: سَمْرَةَ بن جُنْدَبَ درخت نخلی (عذق) داشت که برای سرکشی به این درخت باید از داخل منزل مردی از انصار عبور کند. به همین جهت هر زمان که می‌خواست به نخل خود سرکشی کند، بدون این‌که از مرد انصاری اجازه بگیرد، وارد خانه این شخص می‌شد. مرد انصاری به سمره گفت: تو همیشه سر زده و بی‌خبر وارد منزل ما می‌شوی، و گاه می‌شود ما در حالتی هستیم که دوست نداریم در آن حال بی‌خبر بر ما وارد شوی، هر وقت خواستی وارد شوی اعلام کن و اجازه بگیر. سمره گفت: این راه من به درخت نخلم می‌باشد و من برای راه از کسی اجازه نمی‌گیرم! مرد انصاری خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و از سمره شکایت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را فراخواند؛ وقتی که آمد به او فرمود: فلانی از تو شکایت کرده و می‌گوید تو بدون اجازه بر او و خانواده او وارد می‌شوی؛ از این پس هر وقت خواستی وارد شوی اجازه بگیر. سمره گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله برای راهی که به سمت نخل خود می‌روم اجازه بگیرم؟! (این کار را نخواهم کرد). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیا و آن نخل را رها کن، بجای آن در فلان جا یک نخل به تو می‌دهم. سمره گفت: نه، نمی‌خواهم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بجای یک نخل، دو نخل در جای دیگر به تو می‌دهم. سمره گفت: نمی‌خواهم. رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی یکی تعداد نخل‌ها را اضافه فرمودند تا به ده نخل رسید. سمره گفت: نه! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ده نخل در فلان جا برای توست! سمره نپذیرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این نخل را رها کن بجای آن نخلی در بهشت برای تو خواهد بود. سمره گفت: نمی‌خواهم! در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «إِنَّکَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَ لا ضَرَّ وَ لا ضَرَّارٌ عَلٰی مُؤْمِنٍ؛ تو قصد ضرر زدن داری، و ضرر و ضرر زدن بر مؤمن نداریم». سپس دستور دادند نخل او را از ریشه کنده و به سویس انداختند؛ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برو و هر جا که دوست داری آن را بکار.

روایت دوم. در روایت دیگری (الکافی ط- الإسلامیه)، ج ۵، ص ۲۹۲، ح ۲ از باب الضرار) مشابه این حدیث سابق آمده با این تفاوت که پیامبر صلی الله علیه و آله به مرد انصاری فرمود: برو نخلش را از ریشه در آور و ببانداز جلوی او؛ «فإنه لا ضرر ولا ضرار؛ ضرر و ضرر زدن نداریم»



mph.sdcongress.ir

## هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8<sup>th</sup> International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



روایت سوم. در کتاب «الکافی»، (الکافی، ج ۵، ص ۲۸۰، ح ۴، باب الشفعه). از عقبه بن خالد، از ابی عبد الله امام صادق علیه السلام، نقل شده که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بین کسانی که در زمین یا خانه شریک هستند، حکم به شفعه نمود و فرمود: «لا ضرر و لا ضرار»، و فرمود: هنگامی که نشانه‌ها گذاشته شد، و حدود مشخص گشت، حق شفعه برداشته می‌شود.

### دلیل عقلی

به نظر برخی ( محقق داماد، همان، ص ۱۳۱) مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار، منبع چهارم فقه، یعنی عقل است. به نظر ایشان مدلول این قاعده جزء «مستقلات عقلیه» است که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع خود عقل به آن‌ها می‌رسد. البته به دلیل اینکه به طور مبسوط حول آن بحث نشده در این نوشتار بعد از ادله قرآن و سنت ذکر شده است.

### بنای عقلا

این دلیل را دکتر محقق داماد بیان کرده است با این بیان که صرف نظر از دلایل لفظی در مورد قاعده ضرر، به نظر می‌رسد بنای عقلا پشتوانه محکمی برای این قاعده محسوب می‌شود. بی‌تردید بنای عقلا در این امر محقق است که در زندگی اجتماعی و مدنی، زیان رساندن به دیگران اولاً امری ناپسند است و ثانیاً عامل زیان در مقابل زیان دیده مسئول پرداخت خسارت است و لذا این اصل در کلیه سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده و در مورد چنین بنایی از ناحیه شرع مقدس، ردع و منعی واصل نشده که از این رهگذر، امضای شارع احراز می‌گردد. ایشان معتقد است تمسک به این دلیل مزیتی را دارد که بسیاری از مشکلات در مورد قاعده لا ضرر از میان برداشته می‌شود. برای مثال، بحث این که آیا قاعده لا ضرر می‌تواند وضع ضمان کند یا خیر ناشی از تفسیر «لا» در جمله لا ضرر و لا ضرار است، ولی در تمسک به بنای خردمندان طبعاً پاسخ روشن است. (محقق داماد قواعد فقه ص ۱۵۱)

### مفهوم و مفاد قاعده:

بسیاری از واژه شناسان ضرر و ضرار را مرادف به کار برده اند؛ برای مثال در «الصحاح»، «الضر» خلاف نفع، معنا شده و آمده است: «ضره و ضاره» نیز به یک معنا آمده و اسم آن ضرر است. (جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، ص ۷۱۹) «مصباح المنیر» نیز «ضره یضره و أضر» را مرادف شمرده و «ضاره مضره و ضراراً» را نیز به معنای «ضره» دانسته است. (فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۶۰) قاموس هم ضرر فلانا و به ضرا و ضارا، و ضررا را به معنای وارد کردن چیز مکروه و اذیت دیگری معنا کرده و «ضار فلانا مضاره و ضرارا» را به معنای «ضره» شمرده است. (ابوحیب سعدی، القاموس الفقهی لغة واصطلاحا، ص ۲۲۲) در مجمع البحرین (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳) و النهایة (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۸۱) آمده است: «الضر ضد نفع است و و عرب به صورت ضره یضره ضراً و ضراراً و أضر به یضر إضراراً از آن استفاده می‌کند معنی لاضرر این است که کسی به برادرش ضرر نزند و حق او را پایمال نکند. لاضرر نیز بدین معناست که در مقابل ضرر به دیگری ضرر نزند و ضرر را با ضرر تلافی نکند. ضرر کار یک نفر است؛ ولی ضرر کار دو نفر ضرر ابتدا زیان رساندن است و ضرار ضرر را با ضرر پاسخ دادن. برخی نیز گفته اند: ضرر این است که شخصی به دیگری زیان وارد آورد و خود از آن استفاده برد؛ اما ضرار به معنای ضرر زدن به دیگری بدون سود بردن از آن است.

نظریات مختلفی درباره مفاد این قاعده مطرح شده است که در ادامه آورده میشوند:

### الف) نهی از ضرر و ضرار

۱) نهی تحریمی مرحوم شیخ الشریعه و برخی از فقیهان متاخر و معاصر بر این باورند که از به نظر عده ای دیگر سوء استفاده از حق ناظر به موردی است که امکان اضرار به غیر در طبیعت حق موجود باشد مانند ساختن بنا یا حق اعتصاب؛ ولی در جایی که اجرای حق به طور



mp.h.sd.congress.ir

# هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8<sup>th</sup> International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



متعارف مستلزم زبان دیگری نیست کسی که با عمل ناشایسته خود به دیگری ضرر می زند حقی در اینباره ندارد. این گروه به دسته ای از آیات و روایات در تایید کلام خود تمسک کرده اند که جهت اختصار از ذکر آنها خودداری شده است.

این نظر با ایرادات فراوان روبه رو شده است؛ زیرا استعمال لای نفی جنس به معنای نفی مرسوم و معهود نیست و حتی برخی گفته اند: وقتی لا بر اسم داخل شود، استعمال مجازی آن به معنای نفی صحیح نیست. (صدر، مباحث الاصول، ج ۴، ص ۵۵۱) وانگهی، عبارت «فی الاسلام در این مثالها نشان میدهد که از آنها اراده نفی نشده است؛ بلکه مراد این است که در عالم تشریع چنین ماهیتی نفی گردیده و چنین حکمی وجود ندارد. در غیر این صورت لازم می آید که چنین اموری در غیر اسلام جایز باشند. افزون بر آن در برخی مثالها همانند قرارداد مسابقه منظور از نفی، نفی صحت است نه نفی از آن اگر در مواردی هم از قبیل لاصحی فی الاسلام» اخته کردن در اسلام وجود ندارد مقصود تحریم باشد از باب نفی حکم به لسان نفی موضوع است. (سیستانی، قاعده لا ضرر ولا ضرار، ص ۱۸۳-۱۶۶؛ خوبی دراسات فی علم الاصول ج ۳، ص ۵۰۳؛ شیخ انصاری رسائل فقهیه، ص ۱۱۴؛ نراقی، عوائد الایام، ص ۵۱).

۲ نفی حکومتی و سلطانی امام خمینی (ره) معتقدند مراد از لاضرر و لاضرار نفی از اضرار است؛ اما نه به معنای نفی الهی بلکه به معنای نفی سلطانی و حکومتی؛ زیرا پیامبر (ص) دارای سه مقام نبوت و رسالت حکومت و سیاست و مقام قضاوت هستند؛ از این رو هر روایتی که با واژه امر» یا «قضی از ایشان نقل می شود ظاهر در این است که در مقام حاکم و امیر چنین دستوری داده اند؛ نه به عنوان بیان کننده احکام و هرگونه تعبیر دیگری نیازمند دلیل است. از آنجا که روایت احمد بن حنبل از عباده بن صامت از نبی اسلام با قضی» شروع شده است، پس دلالت دارد که مورد از مواردی بوده که ایشان در مقام حاکم یا قاضی چنین دستوری صادر کرده است؛ ولی میدانیم که مورد از موارد فصل خصومت نبوده است؛ زیرا برای سمره و مرد انصاری شبهه موضوعیه و حکمیه وجود نداشته است. پس منحصراً دستور حکومتی بوده و به این معنی است که کسی نباید در حکومت من به دیگری ضرر بزند. ایشان دستور پیامبر بر کندن درخت را به عنوان تأییدی بر صحت این برداشت ذکر می کنند. (خمینی، تهذیب الاصول، ج ۳، ص ۱۱۲ - ۱۲۰؛ خمینی، الرسائل، ج ۱، ص ۵۶۵) علاوه بر اینکه ایرادات نفی تحریمی بر این نظر نیز وارد است، این گفته در صورتی وجهی داشت که ادله قاعده لاضرر به قضیه سمره اختصاص داشت؛ در حالی که احادیث شفعه و امثال آن نادرست بودن نظر پیش گفته را آشکار می کند. به علاوه در رد نظر حضرت امام (ره) گفته شده است نفی از اضرار مناسب حکم علی الهی است نه حکم حکومتی؛ زیرا اضرار به غیر ظلم است و قبح ظلم از قوانین فطری بلکه از روشن ترین مصادیق حسن و قبح عقلی است و مناسب احکام الهی میباشد که تفصیل و توضیح احکام فطری است و چگونه ممکن است صفحه قانون گذاری اسلام از این حکم فطری خالی بوده و پیامبر (ص) آن را به صورت حکم حکومتی تشریع نماید؟ (سیستانی، قاعده لا ضرر و لاضرار، ص ۱۸۶)

ب) نفی ضرر و ضرار نظراتی که لای مذکور در قاعده را نفی جنس میدانند و معتقدند در این روایت چیزی در تقدیر گرفته شده است میتوان به نفی ضرر غیر متدارک، نفی موضوع ضرری نفی حکم ضرری و نفی موضوع یا حکم ضرری تقسیم نمود.

۱ نفی ضرر غیر متدارک طبق این نظر در حدیث پیش گفته ضرر و ضرار نفی شده است. ضرر و ضرار در صورتی تحقق می یابد که در برابر آن تدارک و جبرانی نباشد؛ زیرا ضرری که در برابر آن نفعی وجود دارد ضرر محسوب نمی شود. همین طور وقتی در کنار ضرر، حکم شارع بر تدارک آن نیز موجود باشد، وجود این ضرر به منزله عدم است و گویا ضرری وجود ندارد. پس مراد نفی وجود ضرر بدون تدارک است؛ از این رو هرگاه ضرری محقق شد باید همراه با لزوم تدارک باشد. (مراغی، العناوین الفقهیه، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۱۰؛ تونی، الوافیة فی أصول الفقه، ص ۱۹۴) بر نظر مذکور ایرادات فراوانی وارد شده است به نحوی که شیخ انصاری این نظر را ضعیف ترین نظریه در مفهوم قاعده نفی ضرر میدانند. ایرادات اصلی در مبحث ضمانت اجرای قاعده لاضرر می آید. در اینجا تنها گفته می شود که صرف حکم شارع بر لزوم جبران و تدارک ضرر، موجب نفی ضرر موجود نمی شود؛ زیرا غالباً بین تحقق ضرر و جبران آن فاصله می افتد و در این فاصله ضرر وجود داشته و وجود این ضرر با حدیث لاضرر - که ضرر را نفی کرده است - منافات دارد. (شیخ انصاری، رسائل فقهیه، ص ۱۱۴؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۲۳) به علاوه، اراده ضرر غیر متدارک از نفی ضرر از قبیل استعمال کلی در فرد بوده و نیازمند

قرینه است که در اینجا چنین قرینه ای وجود ندارد. ( آخوند خراسانی کفایة الأصول، ص ۳۸۲؛ سیستانی، قاعده لا ضرر و لا ضرار، ص ۱۹۷)

۲ نفی موضوع ضرری نفی حکم به لسان نفی موضوع صاحب کفایه بر این باور است که لای نفی جنس برای نفی طبیعت چیزی به کار می رود و به معنای نفی حکم ضرری است؛ ولی حکمی که از نفی آن، نفی ضرر اراده شده است. با این توضیح که نفی ضرر، آن حکمی را دفع میکند که برای فعلی ثابت شده است؛ برای مثال، وضو برای نماز واجب است. حال اگر آن وضو برای مکلف ضرر داشته باشد، آن وجوب برداشته میشود به طور خلاصه تاکید ایشان بر موضوع ضرری است نه حکم ضرری مرحوم آخوند برای توجیه نظر خود این معنی را نزدیک ترین مجاز به معنای حقیقی میبینند؛ زیرا وقتی اراده نفی حقیقی، ممکن نباشد، نفی ادعایی نزدیک ترین معنای مجاز خواهد بود. (آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ص ۳۸۲-۳۸۱).

۳ نفی حکم ضرری نفی حکم ضرری در ادوار مختلف فقه مورد توجه و عمل فقها بوده است؛ ولی نخستین بار ملا احمد نراقی استاد شیخ انصاری آن را به صورت قاعده در آورد و پس از ایشان شیخ انصاری به تقویتش همت گماشت. صاحب کتاب ارزشمند عواید الایام می گوید: طبق این حدیث ماهیت ضرر در دین اسلام نفی شده است؛ یعنی ضرر و ضراری در دین اسلام نیست؛ یعنی حکمی که سبب ضرر و ضرار شود، در دین اسلام وجود ندارد. بنابراین حکم ضرری از احکام شرع اسلام نیست؛ زیرا خداوند به ضرر بندگان راضی نیست، خواه ضرر از جانب ذات مقدس حدیث بر بندگان وارد آید یا از طرف بندگان بر یکدیگر. ۶۳ شیخ انصاری نیز معتقد است منظور از این حدیث، نفی آن دسته از احکام شرعی است که از عمل به آن ضرری بر بندگان وارد آید؛ به این معنی که در اسلام حکم ضرری از قبیل لزوم بیع غبنی و وجوب وضوی ضرری جعل نشده است. همین طور، مباح بودن اضرار به غیر نیز حکم ضرری است که در شرع نفی شده است. شیخ برای اثبات ادعای خویش به ظهور روایت استعمال نظیر این حدیث در لا حرج فی الدین؛ برای شما حکم یا فعل که مستلزم مشقت شدید باشد در دین وجود ندارد، تناسب نفی حکم با روایات وارد شده و همچنین، تفسیر اکثر علما استناد کرده است. (شیخ انصاری، رسائل فقهیه، ص ۱۱۴-۱۱۶؛ شیخ انصاری، فراند الأصول، ج ۲، ص ۵۳۵-۵۳۴) پس از شیخ اعظم، بسیاری از فقهای امامیه از همین نظر پیروی کرده اند. (نائینی، رساله فی قاعده نفی الضرر، ج ۲، ص ۲۰۱؛ اصفهانی، الإجاره، ص ۱۰۰؛ مامقانی، حاشیه علی رساله لا ضرر، ص ۳۳۳-۳۳۲؛ مصطفوی، مائة قاعده فقهیه، ص ۲۴۳؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۱۸).

۴ نفی موضوع یا حکم ضرری برخی از فقیهان شیعی مفاد قاعده لاضرر را نفی مطلق امر ضرری هر گونه ضرر شمرده اند، خواه حکم باشد خواه موضوع (روحانی، فقه الصادق (ع)، ج ۱۸، ص ۳۹۵)؛ برخی دیگر نیز در همین باره گفته اند: مفهوم قاعده امضا نشدن فعل ضرری اعم از وضعی و تکلیفی (حرام شرعی و عدم جواز وضعی در شریعت است). (مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۶۸؛ سبحانی، الرسائل الأربع (قواعد اصولیه و فقهیه)، ج ۲، ص ۸۷-۸۶). با این وجود، نقدهای وارد بر نظریه نفی موضوع ضرری بر این نظر نیز وارد است. به علاوه، این نظر با این ایراد روبه روست که اگر معامله ضرری (مانند غین) از نظر وضعی، جایز نباشد مقتضای آن بطلان یا عدم نفوذ معامله است؛ در حالی که به اتفاق چنین معاملاتی به وسیله اعمال خیار، قابل فسخ هستند.

## نتیجه

- بررسی آیات قرآن و روایات مبنای قاعده لاضرر از جمله حدیث نبوی در قضیه سمیره، حدیث غنوی از امام صادق (ع) و روایت مربوط به تجدید بنایی که با قصد اضرار به همسایه خراب شده است اثبات می کند که هر جا شخصی در اعمال حق خویش سوء استفاده کند و از این طریق به دیگران ضرر می رساند شارع مقدس از واژه «ضرار» استفاده می کند.
- بنابراین مراد از ضرر در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) سوء استفاده از حق است. در لاضرر نیز حاصل مصدر، یعنی خود ضرر، نفی شده است؛ از این رو به موجب قاعده لاضرر، حکمی که موجب ضرر می شود، نفی شده است و در قاعده لاضرر نیز حکم اباحه





mph.sdcongress.ir

# هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8<sup>th</sup> International Conference on  
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



انجام عمل در حالت سوء استفاده برداشته شده است؛ از این رو به موجب هر دو قاعده حکم ضرری، خواه تکلیفی باشد یا وضعی خواه در روابط بین انسانها و خواه در روابط خالق با بندگان، برداشته شده است.

## منابع

قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الأصول، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق .
۲. آقا ضیاء عراقی علی بن آخوند ملا محمد کبیر کزازی، قاعده لا ضرر، ۱ جلد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ ق .
۳. آملی میرزا هاشم مجمع الأفكار و مطارح الأنظار، مقرر: محمد علی اسماعیل پور، ۵ جلد، قم، المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۹۵ هـ. ش.
۴. ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد النهایة فی غریب الحدیث و الأثر ، ۵ جلد، قم، اسماعیلیان، بیتا ..
۵. ابن منظور، ابو الفضل محمد بن مکرم لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ. ق .
۶. ابوجیب، سعدی القاموس الفقهی لغة واصطلاحا ، ۱ جلد، دمشق، دار الفكر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق .
۷. اصفهانی ، فتح الله ، قاعده لا ضرر، ۱ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق .
۸. اصفهانی، محمد حسین ، نهایة الدراية فی شرح الکفایة، ۵ جلد، بیروت، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۲۹ هـ. ق.
۹. ایروانی باقر، دروس تمهیدیة فی القواعد الفقهیة، دو جلد، قم، دار الفقه للطباعة والنشر، چاپ سوم، ۱۴۲۶ هـ ق.
۱۰. بجنوردی، سید حسن القواعد الفقهیة، ۷ جلد، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ. ق .
۱۱. تونی عبدالله بن محمد، الوافیة فی أصول الفقه، قم، مجمع الفكر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ. ق .
۱۲. جزایری محمد جعفر منتهی الدراية فی توضیح الکفایة، قم، مؤسسه دار الكتاب، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ هـ. ق .
۱۳. جوهری اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق .
۱۴. خمینی، سید روح الله، الرسائل، ۲ جلد، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۱۵. خمینی سید روح الله، تهذیب الأصول، مقرر : جعفر سبحانی، ۳ جلد، قم، دار الفكر، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ. ش .
۱۶. خوبی سید ابوالقاسم مصباح الأصول مقرر : محمد سرور واعظ حسینی ۲ جلد، قم، موسسه إحياء آثار السيد الخوئی، چاپ اول ۱۴۲۲ هـ. ق .
۱۷. خوبی، سید ابو القاسم الهدایة فی الأصول، مقرر : حسن صافی اصفهانی ۴ جلد، قم، مؤسسه صاحب الأمر (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق .



mph.sdcongress.ir

# هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8<sup>th</sup> International Conference on  
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



- ۱۸ . روحانی سید صادق، فقه الصادق (ع) ، ۲۶ جلد، قم، دار الکتاب - مدرسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق .
- ۱۹ . روحانی سید محمد منتقی الأصول، مقرر : عبد الصاحب حکیم، ۷ جلد قم، دفتر آیت الله سید محمد روحانی، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ . ق .
- ۲۰ . زاهد حاج میرزا ابو الفضل ، رساله الضرر وما فيه من الخبر و ما له من الاثر، قم، مطبع الحكمة، چاپ اول، بی تا .
- ۲۱ . زبیدی (حسینی حنفی، محب الدین سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ . ق .
- ۲۲ . سبحانی، جعفر، الرسائل الأربع ( قواعد اصولیة وفقهیة)، تقریر عده ای از فضلا، ۴ جلد، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ . ق .
- ۲۳ . سبحانی، جعفر، قاعدتان فقهیتان (قاعده لا ضرر و قاعده الرضاع ، مقرر : حسن عاملی مکی، قم، مطبعة الخيام، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ . ق .
- ۲۴ . سیستانی، سید علی قاعده لا ضرر ولا ضرار ۱ جلد، قم، دفتر آیت الله سیستانی، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ . ق .
- ۲۵ . شیخ انصاری ،مرتضی رسائل فقهیة ۱ جلد، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ . ق .
- ۲۶ . شیخ انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ هـ . ق .
- ۲۷ . شیخ طوسی، محمد بن حسن ، تهذیب الاحکام، ۱۰ جلد، ج ۷، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ . ق .
- ۲۸ . صدر، سید محمد باقر ، قاعده لا ضرر ولا ضرار مقرر : سید کمال حیدری ۱ جلد، قم، دار الصادقین للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ . ق .
- ۲۹ . مکارم شیرازی، ناصر، قاعده لا ضرر، ترجمه القواعد الفقهیة، قم ، امام علی بن ابی طالب ، ۱۳۹۰
- ۳۰ . محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۱ شمسی .